همشهری
ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری
شماره ۱۹۴
سه شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۲
حقوق

افزایش ضریب حقوق سال ۱۳۹۲ اعضای هیات‌علمی دانشگاه‌ها

با تصویب هیات وزیران و براساس اصلاحات تصویب‌نامه پیشین، ضریب حقوق سال ۱۳۹۲ اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و قضات به میزان ۱۴ هزار ۳۲۵ریال تعیین می‌شود. با تصویب هیات وزیران، ضریب حقوق سال ۱۳۹۲ اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و قضات افزایش یافت. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، هیات وزیران به استناد ماده (۵۰) قانون برنامه پنجساله، پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ و ماده (۷۶) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ تصویب کرد؛ براساس اصلاحات تصویب‌نامه پیشین، ضریب حقوق سال ۱۳۹۲ اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و قضات به میزان ۱۴ هزار ۳۲۵ریال تعیین می‌شود. این «تصویب‌نامه» از تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱ لازم‌الاجراست. یادآور می‌شود، براساس مصوبه پیشین دولت، ضریب حقوق سال ۱۳۹۲ اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و قضات به میزان ۱۳ هزار ۷۵۲ریال تعیین شده بود.

ضمانت در جامعه متفاوت است با آنچه در قانون مدنی به عنوان «عقد ضمان» شناخته می‌شود

بایدونبایدهای ضمانت در جامعه امروزی

میثم توسلی

آنچه به عنوان ضمانت در جامعه به‌خصوص در امور بانکی رواج دارد، نمود بیرونی و کاربردی «ضمان» است که در قانون مدنی ما به عنوان یکی از عقود معین شناخته می‌شود. احکام عقد ضمان و بایدها و نبایدهای ان در قانون مدنی درج شده است اما در جامعه عملا از عقد ضمان به گونه‌ای متفاوت استفاده می‌شود. برای بررسی بیشتر این قرارداد و تحولات و کاربردهای آن در جامعه با دکتر کامران آقایی، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیات مدیره کانون وکلای مرکز، به گفت‌وگو پرداخته‌ایم.

چرا بانک‌ها در صورت عدم پرداخت وام به ضامن رجوع می‌کنند و مبلغ را از بدهکار اصلی نمی‌گیرند؟

در وضعیت فعلی با توافقی که بین طرفین می‌شود علاوه بر این‌که مدیون مسئول اجرای تعهد است ضامن هم به او ضمیمه می‌شود. این ضمانت شباهتی با عقد ضمان در قانون مدنی ندارد. رویه بهتر این است که ابتدا بانک باید به مدیون مراجعه کند و برای وی اخطار بفرستد و اجرای تعهد را از وی بخواهد. اگر از پرداخت سر باز زد و معلوم شد که قصد پرداخت وام را ندارد، بانک حق پیدا می‌کند که به ضامن مراجعه کند. این سازوکار معمولا باید رعایت شود تا در صورتی که مدیون دین را پرداخت نکرد بتوان به ضامن مراجعه کرد. چون مسئولیت تضامنی یک مسئولیت استثنایی است و در همه مقررات این وضعیت وجود ندارد.

آیا ضامن می‌تواند از پرداخت بدهی بدهکار خودداری کند؟

با توجه به اینکه قراردادی منعقد کرده است و خود را متعهد کرده است، در چارچوب قرارداد مسئول اجرای تعهد خواهد بود. بنابراین نمی‌تواند از پرداخت سر باز زند و قرارداد را اجرا نکند چون وی جایگزین مدیون اصلی در پرداخت وام شده است.

در صورتی که ضامن بدهی بدهکار را پرداخت نکند چه دعوایی با چه خواسته‌ای و در چه مرجعی قابل طرح است؟

دو حالت ممکن است که پیش آید اول اینکه ضامن وثیقه داده باشد در این‌صورت از طریق اجرای ثبت وثیقه را به اجرا می‌گذارند و بانک طلب خود را از محل وثیقه برداشت می‌کند(بعد از اینکه به مزایده گذاشتند). اما اگر صرف ضمانت باشد باید مراجعه کنند به دادگاه عمومی و دعوای مطالبه وجه کنند تا به استناد عقد ضمانت در آنجا به پرونده رسیدگی شود و در صورتی که ضمانت محقق شد و شرایط وجود داشت دادگاه حکم می‌دهد که ضامن باید دین را پرداخت کند.

اگر ضامن بدهی بدهکار را پرداخت کند چطور می‌تواند طلب خود را از بدهکار بگیرد؟

در مساله ضمانت گفته می‌شود که ضمانت یک عقد تبعی است. به عبارت دیگر مسئول اجرای تعهد یک نفر و مدیون شخص دیگری است و کسی برای تحکیم رابطه قراردادی اجرای تعهد را به عهده می‌گیرد. بنابراین در جایی که ضامن تعهد را اجرا کند مثلا وام را پرداخت کند بعد از اینکه پرداخت صورت گرفت، حق دارد که به کسی که از او ضمانت شده یا مدیون مراجعه کند و آن مقداری را که پرداخت کرده از وی مطالبه کند. چون مدیون سند، همچنان وام گیرنده است و این وام اگر چه مسئولیت آن به عهده ضامن قرار می‌گیرد ولی دین همچنان به عهده مدیون اصلی مستقر شده و او باید این پرداخت را انجام دهد، به این ترتیب ضامن حق مراجعه دارد. اختلافات در این مورد نیز در دادگاه عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نقل ذمه در حال حاضر وضعیت متروکی دارد و عملا عرف به نحو دیگری عمل می‌کند، یعنی بعد از انعقاد عقد ضمان، دین همچنان بر عهده مدیون باقی می‌ماند ولی ضامن در کنار وی مسئول پرداخت دین است

در صورتی که دو نفر از یک نفر ضمانت کرده باشند مثلا برای گرفتن وامی دو نفر ضامن شده باشند، در صورت خودداری بدهکار از پرداخت بدهی بانک به کدامیک از آنها مراجعه می‌کند؟

اگر دو نفر از یک نفر ضمانت کرده باشند هر دو مسئول اجرای تعهد هستند. اگر شرط تضامن بین آنها نشده باشد مثلا اگر نقل ذمه باشد که به عهده ضامن منتقل می‌شود. اما با توجه به اینکه نقل ذمه در حال حاضر وضعیت متروکی دارد و عملا عرف به نحو دیگری عمل می‌کند، باید گفت که به یکدیگر ضمیمه می‌شوند و دین همچنان بر عهده مدیون است ولی ضامن در کنار وی مسئول پرداخت دین است.

عقد ضمان یک عقد لازم است. با این حساب اگر ضامن بخواهد بدون پرداخت بدهی بدهکار اصلی از این تکلیف رها شود چه کاری از دستش برمی‌آید. مثلا اگر کسی ضامن گرفتن وامی شده است چطور می‌تواند از این ضمانت انصراف بدهد؟

نگفته باشند که هر یک از ضامن‌ها مسئول تضامنی پرداخت کل وجه وام است، این مسئولیت بین آنها نصف می‌شود؛ یعنی هر کدام از آنها به میزان ۵۰ درصد از وام را باید پرداخت کنند.

بعد از عقد ضمان چه اتفاقی برای دین می‌افتد. آیا دین برای بدهکار از بین می‌رود و به ضامن منتقل می‌شود؟ چرا در ضمانت از وام بانکی چنین اتفاقی نمی‌افتد؟

می‌تواند با مضمون‌له(کسی که به نفع او ضمانت شده) توافق کند و مضمون‌له وی را از ضمانت خارج کند. یعنی توافق کنند که مدیون دیگر به سراغ ضامن نرود این موضوع در همه جا امکان‌پذیر است و در مواقعی که چند نفر مسئول اجرای تعهد هستند متعهدله می‌تواند انتخاب کند که به سراغ بعضی نرود. اما درخصوص خود موضوع با توجه به اینکه اصل صحت و اصل لزوم حاکم است نمی‌تواند به صرف خواست خود از اجرای تعهد خودداری کند مگر اینکه راه‌حل‌هایی پیدا شود که ما متوجه شویم که عقد ضمان باطل بوده است.

مواردی که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی است مثل اینکه اهلیت نداشته است، جهت عقد ضمان نامشروع بوده است یا سایر مواردی که ممکن است که پیش آید و عقد را باطل کند. ولی با توجه به اصل صحت ابتدا ما حکم می‌کنیم که ضامن باید از عهده اجرای تعهد برآید. با توجه تناقضی که بین رویه عملی و مقررات قانون مدنی وجود دارد، هم مضمون‌عنه و هم مضمون‌له و ضامن باید اطلاع دقیقی از عقد ضمانت داشته باشند و با قصد و آگاهی کامل این عقود را بپذیرند. در حال حاضر موارد متعددی پیش می‌آید و به ما مراجعه می‌کنند که برای نمونه مدیون به تعهد خود عمل نمی‌کند، بنابراین به سراغ ضامن رفته‌اند.

وی حاضر به اجرای تعهد هست اما مطرح می‌کند که خود مدیون در حال حاضر وضعیت مالی مناسبی دارد آیا من می‌توانم دین را قبل از پرداخت از مدیون اصلی بگیرم؟ باید گفت که به این طریق امکان ندارد چون تا وقتی که ضامن دین را پرداخت نکرده است، حق مراجعه به مدیون وجود ندارد. بنابراین با شرایطی که در مورد این عقد وجود دارد این موضوع مستلزم این است که طرفین با مشاورین حقوقی و با وکلای دادگستری مشورت کنند و بعد وارد این نوع عقود شوند تا در آینده دچار مشکل نشوند.

اگر شخصی ضامن وام دیگری شود، اما بعد فوت کند، شرایط ضمانت به چه شکل است؟

به هر حال این ضمانت به قوت خود باقی می‌ماند باید قائم مقام‌های آن فرد این کار را انجام دهند.

اگر متوفی حقوق بگیر باشد آیا کسی که به نفع او ضمانت شده می‌تواند از این حقوق بدهی خود را بگیرد؟

بحث حقوق متفاوت است در بعضی از قوانین بازنشستگی پیش‌بینی می‌شود که این حقوق دیگر حقوق فرد به حساب نمی‌آید و حقوق افرادی است که از او نفقه می‌برند و مستقیما به آنها مربوط می‌شود. اما اگر اموالی از شخص به جا مانده باشد، به نفع بدهکاران ضبط می‌شود. همچنین اگر این تفسیر باشد که از طرف این فرد بر سایر افراد حق و حقوقی می‌رسد، می‌توان از روی آن هم اقدام کرد.

گفتید که در جامعه ضمانت متفاوت از مفهومی که در قانون مدنی برای عقد ضمان بیان کرده استفاده می‌شود مفهوم عقد ضمان در قانون مدنی چیست؟

یکی از عقود معین که در قانون مدنی ما وجود دارد، عقد ضمان است. این عقد جز عقود تبعی محسوب می‌شود به این معنی که همیشه یک دین اصلی وجود دارد و عقد ضمان به تبع آن دین به وجود می‌آید. (برای مثال طرفین توافق می‌کنند برای فروش یک واحد آپارتمان)، علاوه بر افرادی که در عقد دخالت دارند یک شخص ثالث هم وجود دارد که اجرای عقد را ضمانت می‌کند اصطلاحا به این عقد، عقد ضمانت می‌گویند. در فقه شیعه این تلقی در مورد عقد ضمان وجود داشته است که عقد ضمان به اصطلاح باعث نقل ذمه می‌شود به این معنی که وقتی عقد ضمان منعقد شد ذمه مضمون‌عنه (کسی که از او ضمانت شده است) به ذمه ضامن یعنی کسی که ضمانت کرده است منتقل می‌شود. به عبارت دیگر باعث می‌شود که دین از عهده مدیون به عهده ضمان منتقل شود. نکته مورد توجه این‌که دیدگاه پیش‌رو اگر چه مشهور فقهای شیعه است اما در عمل مشکلات بسیاری را با خود به همراه داشته است. بنابراین تفسیرهایی را به عقد ضمان اضافه کردند، اولا اینکه به صورت خاص این تفسیر در میان حقوقدانان به وجود آمد و همچنان از آن استفاده می‌شود که در عقد ضمان طرفین می‌توانند توافق کنند، که هم ضامن مسئول اجرای تعهد باشد و هم مدیون اصلی یا مضمون‌عنه. در این حالت دو وضعیت قابل تصور است به موجب توافقی که بین طرفین وجود دارد هر دو مسئول اجرای تعهد باقی می‌ماند. اول اینکه ضمان بدین شکل پیش‌بینی شود که ابتدا متعهدله یا مضمون‌له(کسی که به نفع او عقد ضمان به وجود آمده) به مدیون مراجعه کند و در صورتی که مدیون تعهد را اجرا نکرد، این حق را داشته باشد که به ضامن مراجعه کند که در اصطلاح ضمانت طولی گفته می‌شود. به عنوان مثال کسی که وام را گرفته است درصورتی که او تعهد را اجرا نکرد و وام را پرداخت نکرد به ضامن او مراجعه می‌شود که به موجب عقد ضمان مسئول اجرای تعهد شده است. اما تلقی دوم از عقد ضمان این است که ضامن یا مضمون‌له در عرض یکدیگر قرار می‌گیرند به عبارت دیگر در صورتی که تعهد اجرا نشد مضمون‌له می‌تواند به هر کدام از آنها با توجه به شرایط خود مراجعه کند که به مورد دوم مسئولیت تضامنی می‌گویند.

نمونه بارز آن در اسناد تجاری وجود دارد (فرض کنید دارنده سند هم می تواند به ظهرنویس مراجعه کند و هم به صادر کننده و هم سایر ضامن‌ها اسناد تجاری) البته به این نکته باید اشاره کرد که در قانون تجارت یک باب تحت عنوان عقد ضمان یا ضمانت وجود دارد که تلقی آن بیشتر به همین تعبیر است که خدمت شما گفته شد؛ یعنی ذمه کسی که از او ضمانت می‌شود ضمیمه می‌شود به فرد اول؛ متعهدله حق دارد به هر کدام که خواست مراجعه و اجرای تعهد را از آنها بخواهد.

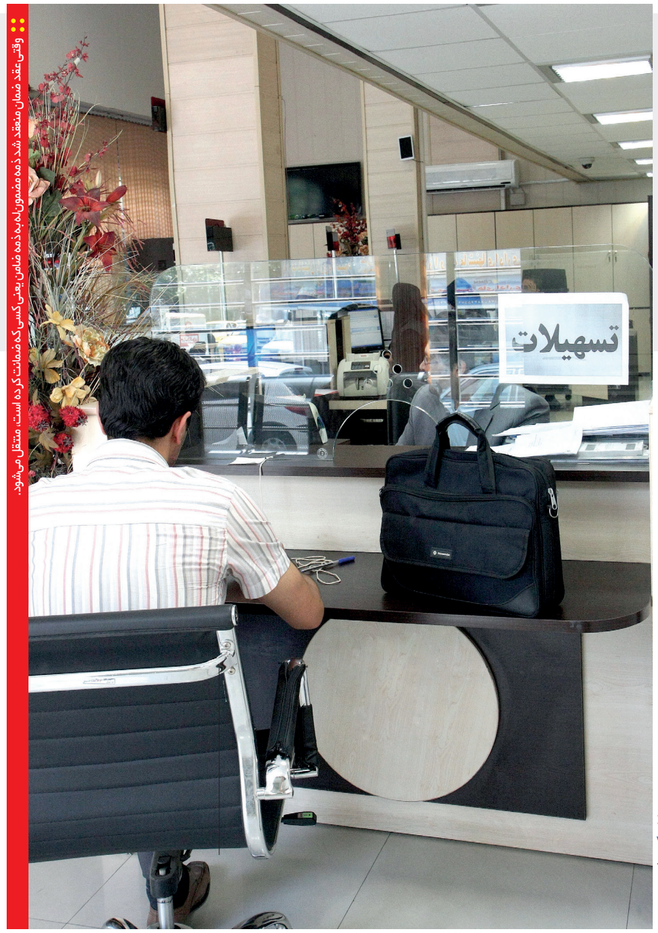

وقتی عقد ضمان منعقد شد ذمه مضمون‌له به ذمه ضامن یعنی کسی که ضمانت کرده است، منتقل می‌شود.

عکس: احمد سیدپور

دریچه

شرایط ضامن

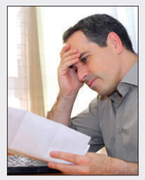

ضامن باید برای معامله اهلیت داشته باشد، بنابراین ضمان صغیر و مجنون باطل است. مجنون ادواری در حال سلامت و افاقه و همچنین سفیه به اذن قیم خود می‌تواند ضمانت کند. البته قیم باید مصلحت او را در نظر بگیرد. معرفت و شناخت کامل نسبت به شخصی که از او ضمانت می‌شود و شخصی که به نفع او ضمانت می‌شود لازم نیست. همین‌که ضامن شناخت اجمالی داشته باشد کافی است. بنابراین کافیست که ضامن آن دو را از یکدیگر تشخیص بدهد و بداند که دائن کدام است و مدیون کدام است. در عقد ضمان شرط نیست که ضامن تمکن مالی داشته باشد زیرا ضمان، تعهد به تادیه دین است و مانند قرض گرفتن است که معسر و مفلس هم می‌توانند قرض کنند. البته کسی که عقد ضمان به نفع او منعقد شده است یا مضمون‌له باید در هنگام عقد از وضعیت مالی ضامن آگاه باشد و در صورتی که به اعسار او آگاه باشد عقد ضمان غیر قابل فسخ است. هرگاه در زمان عقد، ضامن شرایط مالی بدی داشته باشد و مضمون‌له از آن آگاه نباشد و پس از عقد می توانند ضامن تمکن مالی پیدا کند در این صورت مضمون له حق فسخ عقد را نخواهد داشت. چنانکه معلوم است در عقد ضمان سخت‌گیری زیادی نکرده است و چشم بر برخی شرایط که در سایر قراردادها ضروری دانسته، در عقد ضمان بسته است.

دریچه

شرایط مضمون‌عنه

اگرچه عقد ضمان بر سه طرف یعنی ضامن، مضمون‌عنه و مضمون‌له تاثیر می گذارد اما این قرارداد بین دو طرف یعنی مضمون‌له و ضامن منعقد می‌شود. بنابراین در انعقاد عقد ضمان مضمون‌عنه یا کسی که از او ضمانت شده است دخالتی ندارد. بنابراین رضایت مدیون اصلی شرط نیست زیرا مدیون اصلی طرف عقد قرار نمی‌گیرد و انتقال دین به وسیله ضامن و مضمون‌له که طلبکار است به عمل می‌آید و مالک دین می‌تواند هر گونه تصرفی در آن انجام دهد اگر چه مدیون عدم موافقت خود را اعلام دارد، همچنان که طلبکار می‌تواند مدیون را از بدهی خود بری کند و یا طلب خود را به دیگری انتقال دهد. علاوه بر این اهلیت مضمون‌عنه شرط صحت عقد ضمان نیست زیرا مضمون‌عنه طرف عقد قرار نمی‌گیرد. حتی با مخالفت و منع مضمون‌عنه هم ضمان منعقد می‌شود. بخاطر همین ماده ۶۸۷ قانون مدنی می گوید: «ضامن شدن از محجور و میت صحیح است» بنابراین هرگاه کسی از دینی که بر ذمه صغیر یا مجنون یا میت است در مقابل طلبکار ضامن بشود این عقد معتبر است. ضمان از میت با وجود زوال شخصیت حقوقی او به اعتبار دینی است که ذمه او مشغول بوده در غیر این صورت از نظر حقوقی میت نمی‌تواند مورد تکلیف قرار گیرد تا مدیون شناخته شود.

همشهری
ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری
شماره ۱۹۴
سه شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۲
حقوق

مصوبه بانکی نهاد ریاست جمهوری ملغی شد

رئیس مجلس در نامه‌ای به رئیس‌جمهوری مصوبه هیات دولت مبنی بر اختصاص مبلغی از تسهیلات قرض الحسنه بانک ملی برای پرداخت به اشخاص معرفی شده توسط نهاد ریاست‌جمهوری و بانک مرکزی را غیرقانونی اعلام کرد. به گزارش مهر، علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد نظر به اینکه از یک طرف طبق بند «الف» ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی، بانک مرکزی به عنوان مرجع سیاستگذار پولی و بانکی تعیین شده و از سوی دیگر طبق ماده ۹۱ قانون برنامه پنج توسعه بانک‌ها و موسسات اعتباری موظفند از سال اول برنامه قبل از اعطا هرگونه وام و تسهیلات به مشتریان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به اعتبارسنجی و تعیین حد اعتباری آنها براساس دستورالعمل بانک مرکزی اقدام کند، بنابراین مصوبه مذکور مبنی بر پرداخت تسهیلات بانک ملی به اشخاص معرفی شده از طرف نهاد ریاست‌جمهوری و رئیس‌کل بانک مرکزی از حیث اخلال در وظایف و اختیارات بانک ملی و عدم مراعات شرایط و ضوابط مربوط به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه مغایر قانون است.